



انجمن علمی فقه‌پژای تفتیشی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تفتیشی

The Challenges of Facing Doping from Disciplinary Violation to its Legalization (Focusing on the Legal System of Iran and England)

Reza Zolghadr¹, Seyed Reza Ehsanpour*², Ahmad Ommi³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Am.C., Islamic Azad University, Amol, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Law, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Criminal Law and Criminology, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 53-67

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-9135-3968

TELL: +982151212483

Email: Ehsanpour@shahed.ac.ir

Article history:

Received: 15 Sep 2025

Revised: 23 Nov 2025

Accepted: 25 Jan 2026

Published online: 21 Mar 2026

Keywords:

Doping, Self Doping, Third-Party Doping, Legalization, Iran, England.

ABSTRACT

The continuation of doping violations and frequent scandals of professional athletes have caused researchers and theorists to adopt three different approaches regarding the repressive punitive policies of the sports system. Respecting the independence and self-regulation of sports, a group considers doping to be a sports violation and making decisions about it is the exclusive competence of the sports system. Another group has demanded the criminalization of doping in the legal systems of the world. The third group, which considers the basis of anti-doping control measures to be based on mostly unsubstantiated assumptions, proposes the legalization of doping along with special health and medical measures. In the present study, using the descriptive-critical method and the method of library collectionan attempt has been made to explain both the theoretical and intellectual bases of the supporters and opponents of each of the above three approaches and the selected approach of the Iranian and British legal systems regarding doping. The findings of the research show that although there are fundamental differences between the legal systems of Iran and England, they follow the same criteria regarding doping policies and consider doping as a disciplinary offense that only the sports system has the authority to make decisions in It has its case. Although third-party doping in these countries is not explicitly criminalized; But it falls under the violation of public health law and can be prosecuted.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Zolghadr, R; Ehsanpour, SR & Ommi, A (2026). "The Challenges of Facing Doping from Disciplinary Violation to its Legalization (Focusing on the Legal System of Iran and England)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(1): 53-52.

مقدمه

«دوپینگ»، که از آن به «خشونت پنهان» نیز تعبیر می‌شود، استفاده از مواد مصنوعی برای افزایش عملکرد فیزیکی ورزشکار است. این تعریف بر اساس یک مدل علی ایجاد شده است که یک محرک (ماده مصنوعی) و یک اثر (افزایش عملکرد) را تعریف می‌کند. (Luschen, 2000: 462) در حالی که استفاده از مواد نیروزا به قدمت خود ورزش است، اما تا نیمه دوم قرن بیستم مقرراتی در مورد محصولات دوپینگ و در نتیجه، جنبش ضددوپینگ ثابتی وجود نداشت؛ بلکه هر فدراسیون ورزشی تعریف خاص خود را از دوپینگ، فهرست محصولات ممنوعه و اقدامات انضباطی برای ورزشکاران دوپینگی ارائه می‌داد. از دهه ۱۹۷۰ و به موازات توسعه سریع فناوری زیست‌پزشکی، جنبشی قوی علیه دوپینگ ظهور کرد که توسط کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، رهبری شد و در سال ۱۹۹۹ آژانس جهانی ضد دوپینگ (WADA) را با هدف مبارزه سیستماتیک با دوپینگ و نظام‌مندسازی سیاست‌ها و مقررات راجع به آن تشکیل داد. وادا، کد جهانی ضددوپینگ را به منظور کشف، بازدارندگی و پیشگیری از دوپینگ (Reszel, 2012: 811) و نیز جلوگیری از مشکلات ناشی از سیاست‌های محلی و تناقضات اجرایی، ایجاد کرد. وادا اکنون با سیاست‌های سرکوب‌گرانه و تنبیهی مستند در قانون جهانی مبارزه با دوپینگ، یک جنبش جهانی را برای هماهنگ کردن قوانین ضددوپینگ در ورزش حرفه‌ای رهبری می‌کند. این هماهنگ‌سازی جهانی مبارزه با دوپینگ ظاهراً معقول است، زیرا برای اجرای قوانین منسجم در سراسر دنیای ورزش، طراحی شده است. با این حال، به دلیل پیشرفت رو به رشد پزشکی و افزوده شدن مداوم فهرست‌های جدید از مواد ممنوعه به لیست مواد دوپینگی، پروتکل‌های آزمایش دوپینگ، همیشه یک گام عقب‌تر از پیشرفت‌های زیست‌پزشکی است و قادر به شناسایی همه موارد دوپینگ و ورزشکاران دوپینگی نیست. از طرفی استفاده مخفیانه و به تعبیری زیرزمینی از مواد ممنوعه به دلیل فقدان کنترل کیفی و نیز عدم شناخت ورزشکاران از مواد تشکیل‌دهنده این نیروزاها همچنان از دنیای ورزش، قربانی می‌گیرد. تداوم تخلفات دوپینگی و رسوایی‌های مکرر

ورزشکاران حرفه‌ای، مقامات ضددوپینگ را نیز ناامید کرده است. تا آنجا که وادا در گزارشی، آزمایشات دوپینگ را به تنهایی چیزی بیش از یک گلوله کاغذی نمی‌داند. (Fincoeur et al, 2014: 6) مجموع موارد فوق، بخش عظیمی از محققان و نظریه‌پردازان را به این نتیجه رسانده است که سیاست ضددوپینگ فعلی -که دقیقاً بر ورزشکاران و آزمایشات متمرکز می‌باشد- در کنترل و پیشگیری از مصرف مواد نیروزا توسط ورزشکاران، ناکارآمد و شکست خورده است. از این رو به نقد سیاست ضددوپینگ فعلی پرداخته و با توجه به مبنای فکری و نظری خود، سه گروه با سه رویکرد متفاوت را تشکیل داده‌اند. گروهی با استدلال‌های مختلف، خواستار قانونی شدن دوپینگ هستند. گروه دیگر، دوپینگ را جرمی با مظاهر دوگانه «انضباطی» و «کیفری» دانسته و خواستار جرم‌انگاری کیفری دوپینگ در نظام‌های حقوقی دنیا شده‌اند. گروه سوم با ورزشی دانستن تخلف دوپینگ، تداوم تصمیم‌گیری در مورد آن را در صلاحیت انحصاری نظام ورزشی می‌دانند.

نظر به اینکه مطالعه تطبیقی قوانین دوپینگ به درک بهتر قوانین ملی و اصلاح ایرادات، برطرف کردن خلأها و تکمیل کاستی‌های آن کمک می‌کند، محقق تلاش خواهد کرد تا به شیوه توصیفی-انتقادی و روش گردآوری کتابخانه‌ای، ضمن تشریح دیدگاه‌های فکری و نظری مدافعان و مخالفان هر یک از رویکردهای سه‌گانه، رویکرد منتخب نظام حقوقی ایران و انگلستان در مورد دوپینگ را تبیین نماید.

۱- نظریه تخلف انضباطی بودن دوپینگ

قانون ورزش بر یک سیستم خود تنظیمی استوار است که به موجب آن مسائلی که در داخل سیستم، رخ می‌دهد به صورت داخلی در همان سیستم، مدیریت می‌شوند. (Gilberto & Maldonado, 2020: 843) در واقع اعضای سازمان ورزش معتقدند که اقدامات انضباطی داخلی به اندازه کافی رفتار بازیکنان را در طول بازی‌ها کنترل می‌کند و فدراسیون‌ها بهتر از هر دادگاهی ورزش خود را می‌شناسند. (Horrow, 1982: 5) بنابراین، در اکثر موارد، نه تنها نیازی به رسیدگی کیفری وجود ندارد؛ بلکه مداخله قانون کیفری در مورد اختلافات

باید سیستم غالب باشد، مگر اینکه مجازاتی که ارائه می‌کنند، اثرگذاری لازم را نداشته باشد. (Porter, 2018: 7-8)

۲- نظریه جرم‌انگاری کیفری دوپینگ

گروه دوم معتقدند دوپینگ یک جرم با مظاهر و در نتیجه ماهیت دوگانه «انضباطی» و «کیفری» است. چرا که «انگیزه ایراد خسارت به دیگران و کسب مال نامشروع، دوپینگ را حیطه‌ای فراتر از یک تخلف انضباطی صرف قرار می‌دهد. بررسی جوانب مختلف این جرم و تشخیص عامدانه بودن آن از جمله رویه‌هایی است که نیاز به تخصص قضایی و حقوقی داشته و در نتیجه در صلاحیت دادگاه‌های ملی و خارج از صلاحیت یک نهاد داور است که داوران آن را اساسا کارشناسان حقوق داور و ورزش تشکیل می‌دهند.» (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۷: ۴۹) از این رو «اتخاذ سازوکارهای عدالت کیفری و قاطعیت در محکوم کردن رفتار غیرصادقانه در ورزش از طریق استفاده از اتهامات کیفری علیه ورزشکاران و مدیران ورزشی، ممکن است دوپینگ را مؤثرتر از آنچه از طریق مجازات اداری و انضباطی قابل دستیابی است، به چالش بکشد.» (McKenzie, 2007: 9) چرا که جرم‌انگاری نسبت به تحریم‌های فعلی، یک عامل بازدارنده قوی‌تر برای ورزشکاران خواهد بود و مجازات تلافی‌جویانه که از طریق سیستم عدالت کیفری اجرا می‌شود، می‌تواند درک عمومی را از بالاترین دستاوردهای ورزش، تغییر دهد. (Sumner, 2007: 10) بنابراین، جرم‌انگاری و سرکوب کیفری دوپینگ، دو پیامد و اثر خواهد داشت: هم موجب جلب رضایت دولت و افکار عمومی می‌شود و هم از طریق اعمال مجازات بر ورزشکار خاطی، علاوه بر تنبیه وی با الگوسازی و جلوگیری از استفاده سایر ورزشکاران و اشخاص ثالث از مواد و روش‌های ممنوعه، موجبات پیشگیری عام و خاص را فراهم می‌کند. بنابراین، ضروری است تا با جرم‌انگاری کیفری دوپینگ به تخلف‌انگاری محض آن خاتمه داد.

حال سؤال این است که آیا ورزشکارانی که تصمیم می‌گیرند با دوپینگ سریع‌تر، بالاتر و قوی‌تر ظاهر شوند، یک جرم کیفری مرتکب شده‌اند و باید تحت تعقیب قانونی قرار بگیرند؟ آیا تعقیب کیفری به موجب دوپینگ در مورد افرادی

ورزشی، نامطلوب است. زیرا توصیف یک رفتار به عنوان «خطای انضباطی» و پیش‌بینی مجازات‌های انضباطی مربوط، موضوعی است که در صلاحیت انحصاری هر فدراسیون بین‌المللی ورزشی است و مداخله قانون ممکن است ماهیت ورزش را مخدوش کند و جذابیت آن را بکاهد. علاوه بر این، تراکم و تکرار مقررات ورزشی فدراسیون‌های ورزشی این تفکر عمومی را شکل داده است که مکانیسم‌های انضباطی خاص ورزش برای حل همه مواردی که در عرصه ورزش و به ویژه ورزش‌های رقابتی رخ می‌دهد کافی است.

«برخلاف قانون‌شکنی معمولی در ورزش، پیش‌اندیشی و فریب ذاتی دوپینگ باعث می‌شود که آن به ویژه نقض شنیع قوانین ورزشی و یک عمل غیرصادقانه محسوب شود.» (Fitzgerald, 2018: 5) بنابراین، کلیه مراجع ذی‌صلاح قانون‌گذاری ورزشی از جمله کمیته‌های بین‌الملل و فدراسیون‌های ورزشی ملی و بین‌المللی، به دلیل نقض قوانین انضباطی و توهین به آرمان‌های ورزشی و در راستای احترام به عدالت و اصول اخلاقی ورزش، صرف وجود ماده ممنوعه در آزمایشات ورزشکار را تخلف انضباطی و مستحق تنبیه دانسته‌اند.

علاوه بر جنبش مشترکی که بین سازمان‌ها و فدراسیون‌های ورزشی مبنی بر کنترل دوپینگ در داخل نظام ورزشی پدید آمده است تا بدین وسیله، اقتدار اخلاقی و استقلال ورزش حفظ شود، بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان (Vieweg, 2004: 41) نیز معتقدند که چون دوپینگ، با فعالیت‌ها و به ویژه مسابقات ورزشی مرتبط است، اصولاً یک تخلف ورزشی محسوب می‌شود، پس تعریف آن و نیز تعیین مجازات‌های انضباطی باید توسط دستگاه‌های ورزشی و در چارچوب نظم حقوقی ورزش انجام شود و فرآیندهای قانونی جایی در ورزش ندارند. این افراد معتقدند: «شکی نیست که یک رژیم انضباطی داخلی سریع، منصفانه و عادلانه در یک ورزش، مؤثرترین عامل بازدارنده در برابر تخلفات ورزشی است.» (Anderson, 2012: 57) بنابراین در مواجهه و برخورد با جرایم و تخلفات ورزشی، قوانین انضباطی خاص هر ورزش

غیر از ورزشکار نیز ممکن است؟ در پاسخ به این سؤالات باید گفت، دو نوع دوپینگ وجود دارد: «خوددوپینگی» و «دوپینگ شخص ثالث». برای بررسی نحوه عملکرد قانون مجازات در برابر این جرم، ضروری است که بین «خوددوپینگی»، یعنی زمانی که ورزشکار، مواد ممنوعه را برای خود تأمین و سپس مصرف می‌کند با دوپینگ انجام شده به واسطه شخص ثالث -اعم از مربیان، پزشکان تیم و یا حتی دولت- تمایز قائل شد. زیرا با وجود اینکه برخی (McKenzie, 2007) معتقدند که هر دو نوع دوپینگ، قابلیت جرم‌انگاری و تعقیب کیفری را دارد؛ اما تمایز و تشخیص اینکه آیا خود ورزشکار، عمل دوپینگ را انجام داده یا شخص ثالثی این مواد را به ورزشکار تزریق و تجویز کرده است، نقش مهمی در ارزیابی تحقق و عدم تحقق مسئولیت کیفری ایفا می‌کند.

۱-۲: خوددوپینگی

محل «خوددوپینگی» جایی است که خود ورزشکار به طور مستقل و ارادی، مواد ممنوعه را مصرف می‌کند. مشخصه «خوددوپینگی» این است که ورزشکار، صرف‌نظر از اینکه فریب خورده یا تهدید شده باشد، اقدام علی‌نهایی؛ مانند مصرف قرص یا تزریق دارو را خودش انجام می‌دهد. بسیاری از حقوق‌دانان و نظام‌های حقوقی بر این عقیده هستند که «خوددوپینگی»، جرم کیفری نیست و به همین دلیل، مسئولیت کیفری در این نوع دوپینگ، منتفی است. توجیه این دیدگاه آن است که بر اساس اصل خودمختاری، اصل تعیین سرنوشت و مسئولیت شخصی، هر شخصی آزاد است تا خود را به خطر بیندازد یا به خود آسیب برساند. از این رو «یک ورزشکار می‌تواند هر کاری که دوست دارد با بدن خود انجام دهد. تنها در صورتی که اثری برای شخص دیگری وجود داشته باشد، پیامد قانونی دارد. (Luschen, 2000: 465)» همچنین جرم‌انگاری استفاده از دوپینگ توسط خود ورزشکار غیرعملی است، زیرا این عمل از نظر اجتماعی خطرناک نیست. ما باید از اصل «منع محاکمه مجدد» پیروی کنیم. بنابراین، مسئولیت انضباطی که در چارچوب قانون ورزش به عهده ورزشکار خاطی خواهد بود، کفایت می‌کند.

(Demieva et al, 2019: 284)

کسانی که «خوددوپینگی» را شایسته جرم‌انگاری می‌دانند، معمولاً به نوعی عنصر «تقلب»، اشاره و دوپینگ را از بارزترین نمادهای تقلب در ورزش معرفی می‌کنند، چرا که تلاشی است برای کسب منافع نامشروع از طریق نقض قوانین بازی. بدین نحو که وقتی فردی با دوپینگ برنده می‌شود، بازنده، رقبا، برگزارکنندگان و حامیان مالی خواهند بود. به برنده، جایزه‌ای با ارزش مالی بالا تعلق می‌گیرد. بنابراین، می‌توان تصور کرد که رقبای دیگری که از یک برد فریب خورده‌اند، می‌توانند از طریق دادگاه به دنبال غرامت باشند. (Luschen, 2000: 465) یعنی، دوپینگ در ورزش به دلیل امکان کسب مزیت مالی، ارزش جرم‌انگاری را دارد. در رد این نظر گفته شده است که: «تقلب به نقض قوانین به منظور به دست آوردن برخی مزیت‌های ناعادلانه که در آن درجه‌ای از فریب موفقیت‌آمیز وجود دارد، اشاره دارد. با این حال، صرفاً به کار انداختن هنر فریبکاری برای تحقق اتهام تقلب کافی نیست، زیرا بازیکنان ماهر همیشه به عنوان بخشی از مهارت خود سعی در فریب دادن حریفان خود دارند.» (Lee et al, 2007: 7)

گروه دیگر معتقدند که دوپینگ به عنوان نوعی رفتار مجرمانه در زمره جرایم اقتصادی قرار می‌گیرد. (Potulski, 2019) 2 مبنای منطقی پیروان این رویکرد، از آنجا نشأت می‌گیرد که تجاری‌سازی ورزش، سبب شده تا انگیزه و هدف اصلی ورزشکاری که تصمیم به دوپینگ می‌گیرد چیزی جز سود مالی نباشد. چرا که در عصر حاضر، ورزش به حرفه‌ای برای کسب درآمد تبدیل شده است و ورزشکاران حرفه‌ای عموماً، هسته اصلی بسیاری از فعالیت‌های تجاری سازمان‌یافته را هم در صنعت ورزش و هم در بخش پوشاک، کفش، غذا، لوازم آرایشی و... تشکیل می‌دهند. بنابراین، مطابق مدافعان این دیدگاه، الصاق جرایم دوپینگی به جرایم اقتصادی کاملاً منطبق با منطق است. با این حال، از منظر حقوق جزا، این دیدگاه با یک نقص و اشکال اساسی مواجه است و آن اینکه دوپینگ، نمی‌تواند مشمول جرایم اقتصادی باشد. به این دلیل که جرایم اقتصادی در اصطلاح عبارتند از «جرایمی که علیه اقتصاد کشور، ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند و یا در عمل، موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور

بیان دیگر، «هیچ رفتاری نباید مجرمانه تعریف شود، مگر اینکه تهدید جدی برای جامعه باشد.» (Wattad, 2008: 50) بر این اساس، تعقیب کیفی باید مختص آن دسته از موقعیت‌هایی باشد که رفتار به اندازه‌ای سنگین است تا به درستی به عنوان مجرمانه طبقه‌بندی شود. (Livings, 2016: 10) علاوه بر این، نظام عدالت ورزشی نهادهای شبه قضایی همچون دادگاه داوری ورزش، تشکیل داده است که مطابق قوانین داخلی ورزش، هر گونه اعتراض و شکایت باید منحصر به این مراجع قضایی ورزشی ارجاع شود، در غیر این صورت برای فرد خاطی، تبعات و آثار سنگینی به بار خواهد آمد و حتی ممکن است منجر به حذف یا اخراج او از دنیای ورزش شود. از این رو جرم‌انگاری کیفی «خوددوپینگی»، فاقد نقش مؤثر در کنترل و پیش‌گیری از این پدیده خواهد بود. «پس بهتر است به جای کشاندن پای قانون به مبارزه با دوپینگ، آن را تخلفی انضباطی در حوزه ورزش باقی بگذاریم.» (Fincoeur et al, 2014: 9)

نتیجه اینکه مجموع دلایل فوق، به علاوه اعتقاد به کفایت مقررات انضباطی تنبیهی سبب شده است تا تقریباً هیچ یک از نظام‌های حقوقی دنیا تمایلی به جرم‌انگاری «خوددوپینگی» نداشته باشند. حتی فرانسه که پیش‌از جرم‌انگاری کیفی در مورد تجویز، قاچاق و تولید مواد دوپینگی است، با اینکه به همراه داشتن مواد دوپینگی توسط ورزشکار را جرم‌انگاری و برای آن کیفر حبس و جزای نقدی، پیش‌بینی نموده است (قانون ورزش فرانسه، ماده-232 L 26؛ اما توسل به قوانین کیفی و جرم‌انگاری «خوددوپینگی» را راه حل مناسب و پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این مشکل نمی‌داند. از این رو، با وجود درخواست‌ها و استدلال‌های مکرر برخی حقوق‌دانان مبنی بر لزوم و ضرورت جرم‌انگاری کیفی دوپینگ، اراده قانونگذاری به سمت تنبیه‌زدایی یا به عبارت دیگر، برخورد صرفاً انضباطی در مواجهه با خوددوپینگی تغییر مسیر داده است.

۲-۲: دوپینگ شخص ثالث

می‌شوند.» (ساک، ۱۳۹۶: ۲۵؛ اردبیلی و ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱) به تعبیر دیگر، جرایم اقتصادی جرایمی هستند که نظام اقتصادی کشور را هدف گرفته‌اند. در نتیجه هدف از مجازات محکومان جرایم اقتصادی، حمایت کیفی از اقتصاد کشور است. بنابراین، صرف کسب جوایز مالی در نتیجه دوپینگ، مصداق جرم اقتصادی نخواهد بود. حتی در مواردی که مدیران و متولیان امر ورزش، اقدام به ارتشاء و پولشویی می‌کنند نیز، از لفظ «فساد مالی» برای عمل ارتكابی آنها استفاده می‌شود نه جرم اقتصادی، و این کاربرد صحیح است. چرا که «فساد مالی با سوء استفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخص اعم از اینکه در بخش خصوصی باشد یا دولتی صورت می‌گیرد که در آن ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) موضوعیت دارد.» (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۸)

برخی از طرفداران جرم‌انگاری «خوددوپینگی»، استدلال کرده‌اند که وقتی یک ورزشکار، آگاهانه دوپینگ کند، در واقع مرتکب کلاهبرداری علیه حامیان مالی خود، سایر ورزشکاران، هم تیمی‌های خود و مردم شده است (Kokkonen, 2018). Nitz, 2012 و بر این اساس دوپینگ باید در کنار فعالیت‌های مجرمانه‌ای مانند «کلاهبرداری مالی» در نظر گرفته شود. «این در حالی است که قانون کیفی غالب نظام‌های حقوقی، شامل مجازات‌هایی برای چنین جرایم غیرصدقاتی، به ویژه کلاهبرداری و جرایم مشابه است و کلاهبرداری در حال حاضر، به دست آوردن منفعت مالی یا غیر آن از طریق توسل به فریب و تقلب را جرم‌انگاری می‌کند.» (Fitzgerald, 2018: 5) پس نیازی به جرم‌انگاری مجدد وجود ندارد.

تردیدی نیست که شمشیر تیز و تحسین‌شده حقوق جزا و سیستم عدالت کیفی، تنها به عنوان آخرین راه حل برای حمایت از منافع قانونی استفاده می‌شود، یعنی زمانی که یک رفتار خاص، فراتر از ممنوعیت آن برای همزیستی منظم مردم از نظر اجتماعی مضر و غیرقابل تحمل باشد، و تدابیر غیرکیفری نتوانند آن رفتار مضر را به اندازه کافی کنترل و یا سرکوب نمایند، پیشگیری کیفی آن ضرورت می‌یابد. به

است؛ اما قانون مجازات بسیاری از کشورها به آن پرداخته‌اند. در ایران نیز ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) تهدید علیه بهداشت عمومی و برخی مصادیق آن را تشریح نموده و برخی از جهات از قبیل مجازات، جزای نقدی و محرومیت خاص را قید نموده است.

مواجهه نظام‌های حقوقی دنیا نسبت به دوپینگ شخص ثالث متفاوت است. در حالی که بسیاری از کشورها در مورد این نوع دوپینگ نیز سیاست سکوت و اکتفا به مجازات‌های تنبیهی سازمان‌های ورزشی و گاه مجازات جرم علیه بهداشت عمومی را در پیش گرفته‌اند؛ اما برخی از کشورها با وضع قوانین خاص و جرم‌انگاری این عمل، تلاش کرده‌اند سلامت و امنیت ورزشکاران و جامعه ورزش را حفظ نمایند. فرانسه از پیشتازان این رویکرد نسبت به دوپینگ و اولین کشوری است که مقررات کیفری خاصی در مورد آن وضع نموده است. این پیشتازی فرانسه در جرم‌انگاری برخی مصادیق دوپینگ سبب شده تا برخی محققان و پژوهشگران ایرانی به غلط مدعی جرم‌انگاری دوپینگ توسط فرانسه و به تبع آن برخی کشورهای اروپایی باشند. حال آنکه مطابق مواد ۲۳۲L-۲۵ تا ۲۳۲L-۲۸ قانون ورزش فرانسه، نظام حقوقی این کشور، تنها تجویز، تولید، تهیه و قاچاق مواد دوپینگی را به دلیل ارتباط آن با جرایم سازمان‌یافته و نیز به همراه داشتن مواد ممنوعه دوپینگی توسط ورزشکار را جرم کیفری و مشمول مجازات‌های جزای نقدی و حبس نموده است. اما ورزشکاری که با علم به اثرات احتمالی مواد نیروزا بر سلامتی خود از این مواد یا روش‌های ممنوعه استفاده می‌کند، مطابق قوانین این کشور، تنها مرتکب تخلف صرفاً ورزشی است که باید با مجازات‌های انضباطی تنبیه شود. (ر ک: Avocats^۱ Tricaud, Fr, 2024)

۱ مطابق مواد ۲۳۲L-۲۵ تا ۲۳۲L-۲۸ قانون ورزش فرانسه آنچه در رابطه با دوپینگ، جرم کیفری محسوب می‌شود، عبارتند از: ۱- داشتن یک یا چند ماده یا روش ممنوعه‌ای که به دستور وزیر ورزش تعیین شده است، بدون دلیل پزشکی موجه. ۲- تجویز، کاربرد، انتقال یا ارائه مواد یا روش‌های ممنوعه به ورزشکاران، بدون دلیل موجه پزشکی یا تسهیل در استفاده از آنها یا تشویق به استفاده از آنها. ۳- تولید، ساخت، واردات، صادرات، حمل و نقل، در اختیار داشتن یا کسب یک یا چند ماده یا روش ممنوعه برای استفاده توسط ورزشکار، بدون

علی‌رغم تعاملات پیچیده بین ورزشکاران با مربیان، مدیران، پزشکان و سایر پرسنل پشتیبانی تیم، دوپینگ، اغلب به عنوان جرمی فردی تلقی می‌شود. از این رو اغلب، ورزشکار به تنهایی تقصیر را به دوش می‌کشد و دریافت‌کننده تحریم‌ها و مجازات‌های انضباطی است. اما واقعیت این است که وقتی یک ورزشکار، داروهای تقویت‌کننده غیرقانونی عملکرد، مصرف می‌کند، تنها یک قطعه از یک شبکه بزرگ‌تر جرم است؛ چرا که بیشتر اوقات، یک ورزشکار به تحریک، فریب یا کمک مربیان و یا پزشک تیم، مواد ممنوعه نیروزا را مصرف می‌کند. بنابراین، نباید ماهیت مشارکتی دوپینگ را نادیده گرفت.

نوع دوم دوپینگ که از آن به «دوپینگ شخص ثالث»، تعبیر می‌شود، مربوط به همین ماهیت مشارکتی دوپینگ و مختص جایی است که مواد ممنوعه، بدون رضایت و اطلاع ورزشکار و یا با فریب وی (تجویز مواد ممنوعه به جای مکمل‌های ویتامین)، توسط اشخاص ثالثی به ویژه مربیان و پزشکان تیم، تجویز و تزریق می‌شود. این مواد اغلب با عوارض جانبی مضر همراه است و علاوه بر آن در صورت کشف از طریق آزمایشات کنترلی، ورزشکار با مجازات‌های تنبیهی سنگین مواجه می‌شود و گاه عمر حرفه‌ای او پایان می‌یابد. بنابراین، در این نوع از دوپینگ، علاوه بر ایراد ضرر حرفه‌ای به ورزشکار، منفعت قانونی آسیب‌دیده، سلامت و بهداشت عمومی است. زیرا اینجا تنها خود دوپینگ نیست که نگران‌کننده است؛ بلکه احتمال آسیب ورزشکار و حتی مرگ او نیز وجود دارد.

بهداشت عمومی از موضوعات بسیار مهم در سطح جهانی محسوب می‌شود به نحوی که هر گونه اقدامی که بهداشت عمومی را تهدید کند و یا به خطر بیندازد مستوجب تعقیب و مجازات مرتکب خواهد بود. جرم تهدید علیه بهداشت عمومی -که از جرایم غیرقابل گذشت است- زمانی واقع می‌شود که شخص یا اشخاصی -اعم از حقیقی و حقوقی- مرتکب اقداماتی شوند که نتیجه آن اقدامات به خطر انداختن سلامت یا جان انسان‌ها و یا حیوانات باشد. با وجود اینکه مصادیق این عمل مجرمانه، متعدد و تشخیص آن با مقام قضایی

۳- نظریه قانونی کردن دوپینگ

۳-۱: استدلال طرفداران قانونی شدن دوپینگ

به طور خلاصه قوانین ضد دوپینگ بر سه پایه اخلاقی لزوم حفظ سلامت ورزشکاران، لزوم حفظ یکپارچگی ورزش و نیاز به ارائه یک الگوی خوب از ورزشکاران به جامعه، استوار است که هر سه پایه اخلاقی، توسط منتقدین به چالش کشیده شده است. این گروه ضمن اینکه شالوده اقدامات کنترلی شدید ضد دوپینگ را مبتنی بر مفروضات عمدتاً غیرمستند دانسته‌اند، می‌گویند: «بحث سلامت ورزشکاران، پدران و در تضاد با جنبه‌های ناسالم و خطرات ذاتی فعالیت ورزش حرفه‌ای است. استدلال یکپارچگی بر این ادعا استوار است که مصرف مواد نیروزا برای افزایش عملکرد ورزشی نامناسب است؛ زیرا پایه‌های اخلاقی و اصالت اجتماعی ورزش را به خطر می‌اندازد. این ایده که همه ورزش‌ها به ارزش‌ها و آداب و رسوم مشترک وابسته هستند، تاریخچه فرهنگی و تکامل ورزش‌های مختلف و تأثیر علم، فناوری و تجاری‌سازی بر ساختار و عملکرد آنها را نادیده می‌گیرد. استدلال ارائه یک الگوی خوب، ساده‌لوحانه است؛ زیرا از ورزشکاران نخبه انتظار دارد شهروندان نمونه باشند. در حالی که این امر بر هیچ دسته دیگری از شهروندان تحسین شده، تحمیل نشده است.» (Kayser & Smith, 2008: 86)

یکی از سرسخت‌ترین طرفداران نگرش آزادانه به دوپینگ، کلودیو تامبورینی، فیلسوف آرژانتینی - سوئدی است. تامبورینی معتقد است تا زمانی که ورزشکاران افراد مستقلی

دلیل پزشکی موجه. ۴- جعل یا تخریب هر عنصر مربوط به کنترل نمونه و تجزیه و تحلیل. مجازات افرادی که به دلیل نقض قوانین ضد دوپینگ مجرم شناخته می‌شوند توسط قانون ورزش پیش‌بینی شده است و در موارد خاص طبق قوانین کیفری اعمال می‌شود. مطابق ماده ۲۳۲-۲۶-۱ قانون ورزش، داشتن محصولات دوپینگ توسط ورزشکار، یک سال حبس و ۳۷۵۰ یورو جزای نقدی دارد. با این حال، نگهداری توسط هر شخص و همچنین قاچاق محصولات دوپینگ، پنج سال حبس و ۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی دارد. هنگامی که این اعمال دوپینگ در یک باند سازمان یافته یا علیه یک فرد نابالغ یا توسط شخصی که دارای اختیارات یک ورزشکار یا چند ورزشکار است انجام شود، این مجازات‌ها به هفت سال حبس و ۱۵۰۰۰۰ یورو جریمه نقدی افزایش می‌یابد. مطابق ماده ۲۱۲-۲ اشخاص حقوقی در صورت ارتکاب هر یک از موارد فوق به جزای نقدی محکوم خواهند شد. (Avocats Tricaud, Fr, 2024)

^۱- Claudio Tamburrini

هستند، باید به آنها اجازه داد تصمیم بگیرند که بدن خود را در معرض چه چیزی قرار دهند. دولت، فدراسیون‌های ورزشی یا دیگران نباید تصمیم بگیرند که یک ورزشکار آگاه و منطقی می‌خواهد با بدن خود چه کند. (Petersen, 2021) این استدلال مبتنی بر این اصل اساسی است که هر شخصی حق دارد شیوه و نحوه اداره زندگی خود را انتخاب کند و دولت نیز باید به این تصمیم شهروندان احترام بگذارد.

کسانی که از نظر اخلاقی دوپینگ را می‌پذیرند، پیامدهای منفی برخی از انواع دوپینگ را برای سلامتی دست‌کم نمی‌گیرند و اعتراف می‌کنند که برخی از مواد به خصوص مضر باید ممنوع بمانند. با این حال ممنوعیت کلی هر نوع دارویی که باعث افزایش و بهبود عملکرد بدن شود را غیرمنطقی قلمداد می‌کنند؛ چرا که معتقدند اکثر مواد مورد استفاده برای این منظور، به سلامتی آسیبی نمی‌زند و یا حداقل بیش از تمرینات سخت و رقابتی روزانه ورزشی - به ویژه ورزش‌های حرفه‌ای - مضر و آسیب‌زا نیستند. زیرا بر کسی پوشیده نیست که برخی از ورزش‌ها مانند بوکس، دوچرخه‌سواری، اسکی، راگبی، ورزش‌های موتوری و امثال آن، همگی نمونه‌هایی از ورزش‌هایی هستند که نه تنها به دلیل آسیب‌های جسمی، روانی و تضعیف سیستم ایمنی بدن، اغلب بسیار مضر هستند؛ بلکه سالانه جان چندین نفر را می‌گیرند. «به عنوان مثال، درصد آسیب‌دیدگی در هر فصل برای بازیکنان حرفه‌ای فوتبال بین ۷۰ تا ۹۰ درصد است. همچنین ۲۵ درصد از دوچرخه‌سواران حرفه‌ای باید انتظار داشته باشند که یک بار در هر فصل به دلیل تصادفات در جاده‌ها بستری شوند.» (Petersen, 2021: 18) در نتیجه از آنجایی که ورزش حتی خطرات کشنده‌ای دارد، استفاده از این استدلال به نفع کنترل دوپینگ توجیهی ندارد. (Sendin et al, 2020: 408)

برخی به طور کلی منکر مزیت ناعادلانه دوپینگ شده‌اند. چنانچه پروفسور شوستر - نظریه‌پرداز و محقق انگلیسی - معتقد است: استفاده از داروها هیچ تفاوتی با سایر تکنیک‌های استفاده شده توسط ورزشکاران (مانند جراحی لیزر چشم توسط تیراندازان و کمانداران برای تقویت و بهبود قدرت دید) برای افزایش عملکرد آنها ندارد. وی همچنین با این ادعا که

محروم می‌کند و این با ارزش‌های ورزش رقابتی سازگار نیست.

خلاصه کلام مدافعان رویکرد قانونی‌شدن دوپینگ این است که «سیاست‌های فعلی ضد دوپینگ، اساساً رویکردی پرهزینه، سرکوبگر و تحمل صفر در ورزش حرفه‌ای و نخبگانی با درصد موفقیت ناچیز است.» (Kayser & Smith, 2008) در نتیجه پیشنهاد می‌کنند تا به جای تلاش برای ریشه‌کنی دوپینگ در ورزش - که به نظر می‌رسد یک هدف دست‌نیافتنی است - تصمیم‌گیری در مورد دوپینگ یا عدم آن، به صلاح‌دید ورزشکاران واگذار شود. مشروط بر اینکه «دسترسی به دوپینگ و تجویز آن از طریق یک پزشک ورزشی انجام شود و پزشک به طور مستمر و منظم، سلامت ورزشکاران مصرف‌کننده دوپینگ را کنترل کند و ورزشکاران به پزشکان متخصص برای دریافت اطلاعات در مورد عوارض مختلف استفاده از یک دارو دسترسی داشته باشند.» (Petersen, 2021: 19) این اقدام، دوپینگ را افزایش

می‌دهد؛ اما با افزایش ایمنی و کاهش اقدام مخفیانه، عوارض و مرگ و میر کمتری در پی خواهد داشت. (al, Kayser et) 2007 بنابراین، انتظار می‌رود قانونی‌شدن دوپینگ به تهیه داروهای ایمن‌تر و بهتر کمک و امکان نظارت سیستماتیک بر سلامت ورزشکاران و در نتیجه حفاظت بهتر از آنان را فراهم کند.

۲-۳: استدلال مخالفین قانونی‌شدن دوپینگ

به نظر ما غالب استدلال‌های طراحان و مدافعان قانونی‌شدن و آزادسازی دوپینگ، منطقی و قانع‌کننده نیست. زیرا برنامه‌های مبارزه با دوپینگ بر اساس ارزش ذاتی ورزش ایجاد شده‌اند. از این ارزش ذاتی اغلب به «روح ورزش» یاد می‌شود و آن رسیدن به بالاترین درجات انسانی با روش‌های اخلاقی و به کمک استعداد‌های اختصاصی و ذاتی هر ورزشکار است. برنامه‌های مبارزه با دوپینگ به دنبال محافظت از سلامت ورزشکاران و ایجاد فرصتی برای ورزشکاران است تا بدون استفاده از مواد و روش‌های ممنوعه به بالاترین و ارزشمندترین رتبه‌های بشری دست پیدا کنند. این برنامه‌ها به دنبال حفظ عدالت در ورزش به شکل احترام

هیچ دلیل قابل قبولی وجود ندارد که اثبات کند داروها، عملکرد رقابتی را بهبود می‌بخشند، ممنوعیت آنها را اشتباه و غیراخلاقی دانسته است. (Shuster & Devine, 2013) 39 گروهی نیز پیامدهای مفیدی برای مصرف مواد دوپینگی متصور شده و چنین استدلال می‌کنند که استفاده از مواد و روش‌های دوپینگ که در لیست ممنوعه قرار دارند لزوماً تأثیر نامطلوبی بر سلامتی ندارند. بر عکس، ممکن است در برخی شرایط، استفاده از دوپینگ علاوه بر بهبود عملکرد، باعث افزایش سلامتی نیز بشود. چنانچه پترسن (31: 2021) با استناد به گفته‌های دکتر آندریس هارتکوپ می‌گوید: «پس از یک مرحله سخت در تور فرانسه، بدن سوارکاران از گلوبول‌های قرمز و تستوسترون تخلیه می‌شود. در این مواقع، اگر به جای اینکه به دوچرخه‌سواران اجازه دهند تا با بدنی از هم پاشیده به رقابت ادامه دهند، گلوبول‌های قرمز خون مصنوعی و تستوسترون به آنها داده شود، ممکن است سلامتی را افزایش دهد.»

یکی دیگر از ایرادات وارده به سیاست تنبیهی موجود، ادعای آن بر حفظ تضمین شرایط بازی برابر است. این در حالی است که سیاست فعلی، نابرابری را تشدید می‌کند؛ زیرا توسعه سریع علم و پزشکی در ورزش تنها به ورزشکاران ممتازی که به آخرین اختراعات فناوری و دارویی دسترسی دارند خدمت می‌کند. در نتیجه، گروه کوچکی از جمعیت ورزشکار را هدف قرار می‌دهد. لذا هزینه مبارزه با دوپینگ، بسیار بالا و اثربخشی آن مشکوک است. (Smith, Waddington & Kayser & Smith, 2008) بدین ترتیب، ناکارآمدی کنترل‌های ضد دوپینگ آنها را از ادعای برابر برای موفقیت

۱- مقاله «The banning of sportsmen and women who fail drug tests is unjustifiable» (ممنوعیت ورزشکاران و زنانی که در آزمایشات مواد مخدر مردود می‌شوند غیرقابل توجیه است)، مقاله‌ای است که به بیان نظرات دو تن از نظریه‌پردازان و محققان انگلیسی به نام‌های پروفسور شوستر و دیوین در مورد سیاست‌های ضد دوپینگ می‌پردازد. پروفسور شوستر، موافق و دکتر دیوین، مخالف قانونی‌شدن دوپینگ است.

2 - Andreas Hartkopp

۳ تور فرانس یک مسابقه دوچرخه‌سواری سه هفته‌ای است که در ماه جولای در جاده‌های فرانسه و کشورهای همسایه برگزار می‌شود. این مسابقه، محبوب‌ترین و معتبرترین مسابقه دوچرخه‌سواری در جهان و همچنین سودآورترین مسابقه برای برگزارکنندگان، حامیان مالی و سوارکاران است.

و قوی هستند- استفاده از دوپینگ همیشه وسوسه‌انگیز خواهد بود.» (Petersen, 2021: 13)

برخی در مخالفت با آزادسازی دوپینگ چنین استدلال می‌کنند که: «ورزش به دلیل ماهیت رقابتی خود همواره با سطحی از خطر مواجه است که این خطرات، ذاتی ورزش هستند و به عنوان یک کل پذیرفته شده‌اند. به همین دلیل است که فدراسیون‌ها قوانینی را برای کاهش خطرات و عدم پذیرش ریسک‌های جدید مانند دوپینگ اتخاذ می‌کنند. دقیقاً به دلیل خطر ذاتی در ورزش است که استدلال برای ممنوعیت دوپینگ کاملاً موجه است تا به خطرات ورزشکار فراتر از خطراتی که قبلاً توسط خود ورزش ایجاد شده است اضافه نشود. ضمن اینکه خطرات دوپینگ، اضافی و قابل اجتناب است. در حالی که برخی از خطرات ورزش غیرقابل اجتناب می‌باشد.» (Sendín et al, 2020: 408)

با قانونی کردن دوپینگ، استقلال ورزشکاری که می‌خواهد به سلامتی خود آسیب برساند نه تنها تضمین نمی‌شود؛ بلکه تقریباً همه ورزشکاران مجبور به دوپینگ می‌شوند، زیرا در غیر این صورت قادر به رقابت با حریفان دوپینگی خود نخواهند بود. ورزشکار، زمانی از بی‌عدالتی رقابت ناعادلانه مصون می‌ماند که اقدامات مؤثری برای پیشگیری و مجازات دوپینگ انجام شود و نه زمانی که خود مجبور به انجام آن باشد. از سوی دیگر، تماشاگران، طرفداران و حامیان، ورزشکاری را تحسین و تشویق می‌کنند و مورد حمایت خود قرار می‌دهند که با تمرین سخت و مستمر و پرورش استعداد، عملکرد فوق‌العاده کسب کرده باشد. اما وقتی قدرت بدنی و عملکرد عالی نتیجه مصرف بهترین و احتمالاً گران‌ترین دارو باشد، حس تحسین را در وجود تماشاگر بر نمی‌انگیزد. چرا که تماشاگر برتری‌ای بین خود و ورزشکار جز مصرف مواد نیروزا توسط وی حس نمی‌کند. مهم‌تر اینکه حتی اگر دوپینگ از نظر اخلاقی قابل قبول و قانونی شود، باز هم مواد تقویت‌کننده عملکردی وجود خواهند داشت که وقتی تشخیص داده شود که برای سلامتی مضر و برای جان ورزشکاران خطرناک هستند، ممنوع می‌شوند. بنابراین، با قانونی شدن دوپینگ نیز «دوپینگ غیرقانونی» از بین نخواهد رفت؛ بلکه تنها از «دوپینگ قانونی» متمایز خواهد شد. پس

به قوانین سایر رقبا، رقابت منصفانه، شرایط بازی برابر و ارزش ورزشی است که جهانیان برای ورزش پاک قائل هستند. (مجموعه قوانین ستاد ملی مبارزه با دوپینگ ایران، ۲۰۲۰: ۴)

ضمن اینکه در چند دهه اخیر، شواهد قابل توجهی از اثرات مضر برخی از محصولات دوپینگ در گزارشات رسمی، ثبت شده است. این آسیب‌ها و عوارض بین «افتادن ناگهانی توماس هیکس -دونده مارتن آمریکایی^۱- در المپیک ۱۹۰۴ سنت لوئیس تا مرگ جنسن -دوچرخه‌سوار دانمارکی^۲ در المپیک ۱۹۶۰ رم و تام سیمپسون -دوچرخه‌سوار بریتانیایی^۳ در تور ۱۹۶۷ فرانسه، متغیر است.» (Luschen, 2000: 463) در نتیجه به تعبیر دیوین -محقق و نظریه‌پرداز انگلیسی- دوپینگ بدون شک، خطر قابل توجهی برای سلامتی ورزشکاران دارد و مهم‌تر از آن، با برهم زدن تعادل برتری‌ها، موجب تضعیف هدف ورزش (رقابت عادلانه) می‌شود. (Shuster & Devine, 2013: 39) بنابراین، این واقعیت که پیامدهای منفی برخی مواد، نسبتاً محدود و قابل مقایسه با خطر واقعی آسیب برای ورزشکار است، از پذیرش آنها حمایت نمی‌کند؛ بلکه برعکس، به نفع ممنوعیت آنها است. زیرا این تنها راه برای محدود کردن خطرات سلامتی است. همچنین استدلال شده است که ممنوعیت مواد دوپینگی نادرست و غیراخلاقی است، زیرا در ایجاد بهبود عملکرد، مشکوک است یا در نتیجه کسب شده توسط ورزشکار، فاقد دخالت و اهمیت قابل توجه می‌باشد. حال آنکه بدیهی است اگر انواع مواد دوپینگی، مؤثر نبود، استفاده نمی‌شد. در تأیید این نظر گفته شده: «دوپینگ از نظر افزایش عملکرد ورزشکاران، کارآمد است. به عنوان مثال، حتی در دوزهای پایین، استروئیدهای آنابولیک می‌توانند توده عضلانی و خروجی انرژی دوچرخه‌سواران مسابقه را ۵-۲۰٪ و استقامت را تا ۱۰٪ افزایش دهند. بنابراین، برای ورزشکارانی که به دنبال شکوه پیروزی -شهرت، پول یا عضلات ورزیده

¹ -Thomas Hicks.

² -Jensen

³ -Tom Simpson

⁴ -Devine

منطقی است که فرض کنیم عده‌ای همچنان به دوپینگ غیرقانونی متوسل خواهند شد که در این صورت عواقب آن برای سلامتی آنها فاجعه‌بار خواهد بود.

نتیجه اینکه قانونی شدن و یا آزادسازی نسبی دوپینگ تحت نظارت، ورزش را از ظن رقابت ناعادلانه مبرا نخواهد کرد یا به بی‌عدالتی‌ها پایان نخواهد داد؛ بلکه با افزایش مصرف این مواد و انتشار آن در بین جمعیت ورزشکاران، پیامدهای منفی برای سلامت آنان را تشدید می‌کند. بنابراین، علاوه بر نیاز به اصلاح سیستم تشخیص مواد و دلایل گنجاندن آنها در فهرست ممنوعه، آنچه واقعا مورد نیاز است، یک تحول اجتماعی عمیق و پایدار است تا نیازها، بی‌عدالتی‌ها و تنش‌هایی را که اغلب با بحران‌های مواد ممنوعه تغذیه می‌کنند، کاهش دهد.

۴- موضع نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان در مورد دوپینگ

دولت انگلستان رویکرد غیرمداخله‌گرایانه‌ای نسبت به مدیریت ورزشی دارد. (Pijetlovic, 2015: 6) حتی در ترویج و مدیریت ورزش، دولت نقش نسبتا منفعل ایفا کرده است. چرا که در انگلستان، ورزش مستقل از مداخله دولت و دارای استقلال است. (Ioannidis, 2010: 20) به همین دلیل در مقایسه با اکثر کشورهای اروپایی، در سیستم حقوقی انگلیس، مداخله قانونی دولت در امور ورزشی بسیار محدود بوده است. بنابراین، با وجود اینکه «بریتانیا با امضای کنوانسیون بین‌المللی یونسکو علیه دوپینگ در ورزش، رعایت قوانین جهانی ضد دوپینگ و تأسیس سازمان ملی مبارزه با دوپینگ بریتانیا (UKAD) موضعی قوی و مطابق با بالاترین استانداردهای جهانی در برابر دوپینگ اتخاذ کرده است» (Crouch, 2017: 1) اما «هیچ قانون جزایی خاصی در مورد مصرف دارو و مواد دوپینگی در ورزش بریتانیا وجود ندارد تا دوپینگ را به یک فعالیت غیرقانونی در بریتانیا تبدیل کند. مسئولیت این امر بر عهده نهادهای ورزشی غیردولتی مانند ورزش انگلستان است که لیستی از مواد ممنوعه را منتشر کرده است.» (Nelson, 2005: 5)

در سال ۲۰۱۶ نخست‌وزیر وقت بریتانیا از پارلمان این کشور خواست تا جرم‌انگاری دوپینگ را مدنظر قرار دهند. به دنبال آن تریسی کراچ -نماینده مجلس و وزیر ورزش و جامعه مدنی وقت انگلیس- مقامات وزارت‌خانه خود را موظف کرد تا یک بازنگری در مورد اینکه آیا چارچوب موجود بریتانیا در مواجهه با دوپینگ به اندازه کافی قوی است یا اینکه اقدامات قانونی اضافی برای جرم‌انگاری عمل دوپینگ در بریتانیا ضروری است، انجام دهند. این بررسی، متعاقبا در دو مرحله انجام شد: ۱- ارزیابی جامع از اثربخشی اقدامات موجود ضد دوپینگ بریتانیا و انطباق آن با پروتکل‌های وادا. ۲- مصاحبه‌های هدفمند با ذینفعان و متخصصان در مورد صلاحیت تقویت مقررات ضد دوپینگ بریتانیا، از جمله امکان‌سنجی و عملی بودن جرم‌انگاری دوپینگ. بررسی‌کنندگان در نهایت به این نتیجه رسیدند که در حال حاضر هیچ مورد قانع‌کننده‌ای برای جرم‌انگاری عمل دوپینگ در بریتانیا وجود ندارد. کراچ به این نتیجه‌گیری بسنده و عدم اعتقاد و تمایل خود را برای گام برداشتن در جهت جرم‌انگاری دوپینگ اعلام کرد و تصریح نمود که بریتانیا به واسطه دارا بودن سازمان ملی ضد دوپینگ (UKAD) بر اساس قانون آژانس جهانی ضد دوپینگ، چارچوب قانونی و نظارتی مناسبی برای کاهش و رسیدگی به موارد دوپینگ را در اختیار دارد.» (Crouch, 2017: 2) بنابراین، همچنان سازمان ملی ضد دوپینگ بریتانیا (UKAD)، به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی پاسخ‌گو در برابر پارلمان، مسئول اطمینان از انطباق ورزش بریتانیا با کد وادا (WADA) است.

در توافقنامه سرویس دادستانی تاج و تخت و اتحادیه فوتبال انگلیس نیز تصریح شده است که: «تا زمانی که قوانین انضباطی فدراسیون‌ها و سازمان‌های ورزشی، مجازات مؤثرتری نسبت به قوانین کیفری ارائه دهند، اولویت را حفظ خواهند کرد. با این حال، هرگاه قوانین انضباطی نتوانند رسالت و مسئولیت خود را به درستی انجام دهند، نوبت به مداخله قوانین کیفری می‌رسد و این قوانین می‌توانند وظایف انضباطی سازمان‌ها و فدراسیون‌های ورزشی را به حالت

و در نتیجه کسب برتری نسبت به حریفان در مسابقات ورزشی است- به دلیل مغایرت میراث حاکم در حوزه اخلاق و قواعد حاکم بر جامعه ورزش و در راستای احترام به عدالت ورزشی، ایجاد فضای رقابتی برابر برای ورزشکاران و تضمین اعتبار ورزش‌های رقابتی، توسط سازمان‌ها و نهادهای ورزشی و به رهبری آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ، به عنوان تخلفی ورزشی-انضباطی، تعریف و با فرایندهای انضباطی سختگیرانه و تنبیهی مورد مؤاخذه و بازخواست قرار گرفته است. وجود نواقص و کاستی‌ها در پیش‌بینی و اجرای مقررات انضباطی ضد دوپینگ به موازات ناکامی این مقررات در حذف دوپینگ از ورزش‌های رقابتی و رسانه‌ای شدن رسوایی‌های دوپینگی، زنگ خطر شکست و ناکارآمدی این مقررات در کنترل و پیشگیری از دوپینگ را به صدا درآورد و در نتیجه سه رویکرد با مبانی فکری و نظری متفاوت از دل انتقادات به سیاست‌های تنبیهی جنبش ضد دوپینگ متولد شد. رویکرد مشهور، با احترام به استقلال و خودتنظیمی ورزش در کنترل و پیشگیری از جرایم ورزشی، معتقدند دوپینگ، صرفاً تخلفی ورزشی محسوب می‌شود، پس تعیین مجازات‌های انضباطی باید توسط دستگاه‌های ورزشی و در چارچوب نظم حقوقی ورزش انجام شود و فرآیندهای قانونی جایی در ورزش ندارند. گروه دوم، با زیر سؤال بردن اثربخشی مجازات‌های انضباطی در کنترل دوپینگ و نیز مرتبط دانستن این جرم با جرایم مالی، اقتصادی و کلاهبرداری، معتقدند که اتخاذ سازوکارهای عدالت کیفری و قاطعیت در محکوم کردن رفتار غیرصادقانه در ورزش از طریق استفاده از اتهامات کیفری علیه ورزشکاران و مدیران ورزشی، ممکن است دوپینگ را مؤثرتر از آنچه از طریق مجازات اداری و انضباطی قابل دستیابی است، به چالش بکشد. گروه سوم با شدید، سرکوبگرانه، سخت‌گیرانه، پرهزینه، بی‌اثر و غیرقابل اثبات دانستن مفروضات اساسی سیاست‌های ضد دوپینگ واداء و سازمان‌های ورزشی، قانونی کردن دوپینگ را با اتخاذ تدابیر و مقررات بهداشتی و پزشکی مناسب پیشنهاد کرده‌اند که تمامی دلایل این گروه توسط منتقدین و مخالفین قانونی کردن دوپینگ، نقض و رد شده است.

تعلیق درآورد تا از هرگونه دخالت آنها جلوگیری شود. این روند یک سیستم کیفری عادلانه و کارآمد را فراهم می‌کند و به هر دو نهاد اجازه می‌دهد تا با هم کار کنند و اطمینان حاصل شود که هر گونه اقدام مجرمانه مجازات می‌شود. چنین سیستمی همچنین از ورزشکاران در مقابل مجازات‌های اضافی محافظت می‌کند.» (Porter, 2018: 8)

در حال حاضر هیچ قانون جزایی خاصی برای جرم‌انگاری دوپینگ در نظام حقوقی ایران و انگلیس وضع نشده است. بنابراین، دوپینگ -اعم از اینکه به ابتکار ورزشکار انجام شود یا توسط شخص ثالث- در این کشورها تنها نقض قوانین ورزشی است. از این رو در مبارزه با این پدیده از طریق رجوع به رویه‌های اداری و انضباطی مانند آژانس مبارزه با دوپینگ به عنوان پلت‌فرم جهانی برای مقررات ضد دوپینگ و دادگاه دآوری ورزش، اکتفا نموده‌اند. با این حال افراد می‌توانند در قبال استفاده از مواد غیرقانونی تحت هنجارهای عمومی حقوق کیفری مسئول باشند. چنانچه با وجود اینکه به دوپینگ شخص ثالث، در ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی ایران، تصریح نشده است؛ اما نظر به اینکه به دلالت قرینه‌های موجود در این ماده، موارد مذکور در تعیین و تعریف تهدید علیه بهداشت عمومی، احصائی نمی‌باشد، می‌توان مدعی شد که مطابق عموم مستفاد از ماده، دوپینگ توسط شخص ثالث علیه ورزشکار را نیز شامل می‌شود. در نتیجه، مجازات‌های مندرج در ماده فوق قابل حمل بر شخص ثالثی که دوپینگ منتسب به او است، خواهد بود. یافته‌های تحقیقی تراس (۲۰۱۷، ص ۱۶) نیز دال بر این است که دوپینگ شخص ثالث و نیز ساخت، عرضه، واردات، صادرات مواد نیروزا در انگلستان از پیگرد قانونی مصون نخواهد بود؛ بلکه برای مرتکبین آن، از طریق قانون سوء استفاده از مواد مخدر (۱۹۷۱) و قانون داروها (۱۹۶۸)، به دلیل قاچاق و عرضه مواد ممنوعه تا ۱۴ سال حبس یا جریمه مالی سنگین در نظر گرفته شده است.

نتیجه‌گیری

«دوپینگ» -که به معنای استفاده از مواد شیمیایی نیروزای غیرمجاز توسط ورزشکاران به منظور تقویت عملکرد جسمی

- اردبیلی، محمدعلی و ایمانی، عباس (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری. چاپ اول، تهران: نشر آریان.
- باقرنیا، حمید و ساقیان، مهدی (۱۳۹۶). «ضرورت تأسیس فدراسیون حقوق ورزشی و نقش آن در پیشگیری از جرایم ورزشی». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۳۵: ۱۹.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۶). حقوق کیفری اقتصادی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات جنگل.
- شهبازی، آرامش و برلیان، پویا (۱۳۹۷). «دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزشی و جایگاه دیوان دوری ورزش در تنسيق رویه بین‌المللی در این زمینه». مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۷ (۳۹): ۲۴.
- مجموعه قوانین ستاد ملی مبارزه با دوپینگ ایران (۲۰۲۰). بر اساس مجموعه قوانین آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ، کد ۲۰۲۱.
- میرسعیدی، سید منصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲). «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟». مجله پژوهش حقوق کیفری، ۲ (۴): ۱۶۷-۱۹۹.
- نظام‌های حقوقی دنیا به دلایل متعدد تمایلی به جرم‌انگاری دوپینگ به ویژه در مورد «خوددوپینگی» ندارند و بر اساس اصل خودمختاری، اصل تعیین سرنوشت و مسئولیت شخصی و نیز خطرناک نبودن این عمل، پذیرفته‌اند که دوپینگ، تنها یک تخلف ورزشی و قابل مجازات انضباطی است و جرم‌انگاری آن جایز نیست. تنها «دوپینگ شخص ثالث» آن هم به دلیل به خطر انداختن بهداشت عمومی و جان دیگران در برخی کشورهای اروپایی به پیشگامی فرانسه جرم‌انگاری کیفری شده است. نتیجه اینکه دوپینگ به معنای مصرف مواد ممنوعه توسط ورزشکار جهت بهبود عملکرد ورزشی، در هیچ نظام حقوقی، جرم‌انگاری کیفری نشده است. البته این به معنای تمایل دولت‌ها و نظام‌های حقوقی به قانونی کردن دوپینگ نیست؛ بلکه این نظام‌ها معتقد به تخلف‌انگاری انضباطی خوددوپینگی و جرم‌انگاری دوپینگ شخص ثالث می‌باشند. در همین راستا، ایران و انگلستان نیز همچون اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی این عقیده را پذیرفته‌اند که دوپینگ، تنها یک تخلف ورزشی و قابل مجازات انضباطی است و جرم‌انگاری آن جایز نیست. بنابراین، مبارزه با دوپینگ در این کشورها کاملاً منطبق با چارچوب قانونی ضددوپینگ با هدف محدود کردن استفاده از آن است. به طور خلاصه، نهادهای ورزشی، مسئول بسط عدالت ورزشی و بازیگران بین‌المللی مبارزه با دوپینگ هستند.

ب- منابع انگلیسی

- Anderson, J (2012). "Sanctioned Aggression of Criminal Sanction? Violence, contact sports and the law." Article in the book of sports management, 1st ed. London: Routledge: 51-64 (14).
- Crouch, T. (2017). "Review of Criminalisation of Doping in Sport". Department for Digital, Culture, Media & Sport: 37.
- Demieva, A G & Vaskevich, V P & Larina, L Y & Iroshnikov, D V (2019). "Criminal remedies of anti-doping security". *Revista de Ciencias Humanas y Sociales*, 35 (22): 279-291 (15 P)
- Fincoeur, B & van de Ven, K & Kyle, M & Mulrooney, K G D (2014). "The Symbiotic

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیازمندی‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع می‌باشد.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده اول، همراه با کمک و راهنمایی سایر نویسندگان انجام یافته است.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- Luschen, G (2000). "Doping in Sport as Deviant Behavior and its Social Control". edited by: Jay Coakley and Eric Dunning. *In Handbook of Sport Studies*, London: SAGE Publications Ltd. Article number 25. PP: 462-476 (16 P).
- McKenzie, C (2007). "The use of criminal justice mechanisms to combat doping in sport". *Sports Law eJournal*, 1 (1): 9. (<https://www8.austlii.edu.au/au/journals/SportsLeJ/2007/2.pdf>)
- Nelson, A (2005). "When, Where and Why does the State Intervene in Sport? A Contemporary Perspective". *Sports Law and Governance Journal*, 1 (1): 16.
- Nitz, A (2012). "Doping Must Be Criminal Oence to Finally Eradicate It." (<http://www.theroar.com.au/2012/10/29/doping-must-be-criminal-oence-to-finally-eradicate-it/>.)
- Petersen, T S (2021). *Dopping In Sport: A Defence*. 1st ed. London, Pub-lisher: Routledge: 106.
- Pijetlovic, K (2015). *EU Sports Law and Breakaway Leagues in Football*. Part of: ASSER International Sports Law Series (17 books). 1st ed, Springer: Published by t.m.c. asser press: 340.
- Porter, J (2018). *The interaction between the criminal law and non-contact sports: A look at concurrent jurisdictional issues and the defence of implied consent*. for the LLB (Honours) Degree, Faculty of Law, Victoria University of Wellington: 32.
- Potulski, J (2019). "Criminal liability for doping in sport". *Baltic Journal of Health and Physical Activity*, 11 (5): 8.
- Reszel, R (2012). "Guilty until proven innocent, and then, still guilty: What the world anti-doping agency can learn from the national football league about first-time anti-doping violations". *Wisconsin International Law Journal*, 29(4): 807-832.
- Sendín, P M & Teresa, C D & Lorente, J A & Sendín, J J R (2020). "Medical arguments for Evolution of Anti-Doping and Supply Chains of Doping Substances: How Criminal Networks May Benefit from Anti-Doping Policy". *Trends in Organized Crime*, 18 (3): 229–250 (22 p).
- Fitzgerald, T (2018). "Doping in Sport – Should it be a Crime?". *Sports Law eJournal*, 1 (1): 17.
- Gilberto, J & Maldonado, O (2020). "Lex Sportiva". *upr legal magazine*, 89 (3): 829-850 (22 P)
- Horrow, R B (1982). "Violence in Professional Sports: Is It Part of the Game?" *Journal of Legislation*, 9 (1): 15.
- Ioannidis G (2010). "The Application of Criminal Law on Doping Infractions and the 'Whereabouts Information' Rule: State Regulation V Self-Regulation." *The international sports law journal*, 1 (2): 14-25 (12 P).
- Kayser, B & Mauron, A & Miah, A (2007). "Current anti-doping policy: a critical appraisal". *BMC Medical Ethics* 8(1): 10.
- Kayser, B & Smith, A C (2008). "Globalisation of anti-doping: the reverse side of the medal". *British medical journal (BMJ)*, 337 (584): 85-87 (3 P).
- Kokkonen, K (2018). "Levelling the playing field: Are doping athletes criminals?" College of Business, Law and Governance. (<https://www.jcu.edu.au/this-is-uni/people-and-societies/articles/levelling-the-playing-field-are-doping-athletes-criminals>)
- Lee, M J & Whitehead, J & Ntoumanis, N (2007). "Development of the Attitudes to Moral Decision-making in Youth Sport Questionnaire (AMDYSQ)". *Psychology of Sport and Exercise*, 8 (3): 45.
- Livings, B (2016). *A 'Zone of Legal Exemption' for Sports Violence? Form and Substance in the Criminal Law*. A Thesis Submitted for the Degree of PhD. England: University of Warwick: 349.

and against the liberalization of doping”. *Archivos de Medicina del Deporte*, 37 (6): 406-417.

- Shuster, S & Devine, J W (2013). “The banning of sportsmen and women who fail drug tests is unjustifiable”. *The Journal of the Royal College of Physicians of Edinburgh*, 43(1): 39-43.
- Sumner, C (2017). “The spirit of sport: the case for criminalisation of doping in the UK”. *The International Sports Law Journal*. 16 (3): 217-227.
- Vieweg, K (2004). “The Definition of Doping and the Proof of a Doping Offense (An Anti-Doping Rule Violation)”. *Marquette Sports Law Review*, 15 (1): 37- 48.
- Waddington, B & Smith, A (2000). *Sport, Health and Drugs: A Critical Sociological Perspective*. 1st ed. London: Imprint Routledge.
- Wattad, M S (2008). “The Meaning of Wrongdoing –a Crime of Disrespecting the Flag: Grounds for Preserving "national Unity"? *University of San Diego School of Law Journals*, 10: 62.

ج - سایت

- <https://tricaudavocats.fr> (۲۰۲۴/۶/۲۴) (سایت وکلای تریکو- فرانسه)